

دین باید سبب الفت و محبت باشد

حضرت بهاء الله می فرمایند: «اشراق نهم دین الله و مذهب الله محض اتحاد و اتفاق اهل عالم از سماء مشیت مالک قدم نازل گشته و ظاهر شده آن را علت اختلاف و نفاق مکنید. سبب اعظم و علت کبری از برای ظهور و اشراق نیر اتحاد دین الهی و شریعه ربّانی بوده نموّ عالم و تربیت امم و اطمینان عباد و راحت من فی البلاد از اصول و احکام الهی. اوست سبب اعظم از برای این عطیه کبری کأس زندگانی بخشد و حیات باقیه عطا فرماید و نعمت سرمدیه مبذول دارد.»

حضرت عبدالبهاء میفرمایند: «ادیان الهیه به جهت محبت بین بشر نازل شده به جهت الفت نازل شده به جهت وحدت عالم انسانی نازل شده ولی افسوس که صاحبان ادیان نور را به ظلمت مخلوط کرده اند هر یک هر پیغمبری را ضد دیگری می شمارند. مثلاً یهودیان مسیح را ضد موسی می دانند مسیحیان حضرت زردشت را ضد مسیح می دانند بودائیان حضرت زردشت را ضد بودا می دانند و کلّ حضرت محمد را ضد جمیع می دانند و جمیع منکر حضرت باب و حضرت بهاء الله و حال آن که این بزرگواران مبدئشان یکی است مقصدشان یکی است و جمیع متحد و متفقند اساس تعالیشان یکی است حقیقت شریعتشان یکی است جمیع به یک خدا تبلیغ کردند و جمیع شریعت یک خدا را ترویج کردند. مثلاً حضرت زردشت پیغمبری بود بر مذاق حضرت مسیح تماماً و هیچ تفاوتی در بین تعالیشان نیست و همچنین تعالیم بودا ابداً مخالفت با تعالیم حضرت مسیح ندارد و همچنین سایر انبیاء. این نفوس مبارکه مبدئشان یکی بود مقصدشان یکی بود شریعتشان یکی بود تعالیشان یکی بود. و لکن یا اسفا که بعد از آن تقالیدی در میان آمد و آن تقالید سبب اختلاف شد زیرا این تقالید حقیقت نبود اوهام بود و به کلی مخالف شریعت مسیح و بر ضد تعالیم و نوامیس الهی و چون مخالف بود سبب نزاع و جدال گشت. در حالتی که ادیان باید با یکدیگر نهایت الفت داشته باشند نهایت اختلاف را پیدا کرده اند عوض آن که دلجوئی از همدیگر نمایند به قتال برخاسته اند عوض آن که تعاون و تعاضد یکدیگر کنند به محاربه با یکدیگر پرداختند. اینست که عالم انسانی از بدایتش تا الآن راحت نیافته همیشه بین ادیان نزاع و جدال بوده و جنگ و قتال بوده. اگر نظر به حقیقت آنها

کنید شب و روز گریه نمایید زیرا امرالله را که اساس محبت است اسباب مخالفت کرده‌اند. زیرا شریعت الله مانند علاج است و اگر در محلّ خود صرف شود سبب شفا است. و لکن یا اسفا که این علاج‌ها در دست طیب غیر حاذق بود عاجی که سبب شفا گردد سبب مرض شد عوض آن که سبب حیات باشد سبب ممات شد عوض آن که سبب نورانیت شود سبب ظلمانیت شد زیرا این علاج‌ها در دست طیب غیر حاذق افتاد و طیب غیر حاذق حیات نبخشد و از علاجش ثمری حاصل نگردد بلکه سبب ممات شود. حضرت بهاءالله شصت سال پیش در ایران ظاهر شد و در آن مملکت در میان ادیان و مذاهب و اجناس نهایت بغض و عداوت حاصل بود به درجه‌ای که رؤسای یکدیگر را سبّ و لعن می کردند و جمیع خون یکدیگر را می خوردند. حضرت بهاءالله اعلان وحدت عالم انسانی کرد و اعلان نمود که دین باید سبب محبت و الفت شود و سبب حیات باشد اگر دین سبب عداوت باشد عدمش بهتر از وجود آن است زیرا مقصد محبت بین بشر است چون از دین عداوت بین بشر حاصل شود البته معدوم باشد بهتر است...»